

راه‌های تشخیص اخبار صحیح از موضوع از دیدگاه ابن خلدون و سید جعفر مرتضی عاملی

۵۷-۶۸

اصغر منتظرالقائم

Ways to Determine True News from Ibn Khaldun and Seyyed Ja'far Morteza Ameli's Point of View

By :Asghar Montazer al-Qāem

Abstract: One of the problems with the science of history is the disagreement between different accounts of the historical events. In order to distinguish the true story from the false ones, the historians have to have a critical and scientific look at the narratives. In order to recognize and analyze the reasons of the decline of Islam, Ibn Khaldun, the innovative historian who died in 808 AH, developed a new approach regarding the historical methodology; and by criticizing the historian of the narrative history, he introduced a new methodology in historiography and critiques of accurate news. The other historian discussed here is Seyyed Ja'far Morteza Ameli, born in 1364 in Eit al-Jabal village in Lebanon and died in 1441 AH, who discussed how to select the accurate news. The purpose of this paper is to compare the criteria for identifying the correct news from the false news from the point of view of Ibn Khaldun and Seyyed Ja'far Morteza Ameli, which will be studied in a descriptive and analytical manner. Although Ibn Khaldun's historical methodology is explained in the introduction, he does not meet his standards in the general historiography of Islam in *Al-Abar*. However, Sayyid Ja'far Morteza has stated his methodology in the first volume of *al-Sahih*, and he remains committed to his standards.

Key words: Methodology, news, true news, Ibn Khaldun, Seyyed Ja'far Morteza Ameli.

أساليب التمييز بين الأخبار الصحيحة والموضوعة من منظور ابن خلدون والسيد جعفر مرتضى العاملی

الخلاصة: إحدى المشاكل التي تكتنف علم التاريخ هي وجود الروايات المتناقضة حول الوقائع التاريخية. ولغرض تشخيص الخبر الصحيح من بين غيره من الروايات لا مناص للمؤرخ من اللجوء إلى البحث النقدي والعلمي لاكتشاف ما يريد وتمييزه عن باقي الأكاذيب..

وفي بحث المؤرخ المبدع ابن خلدون (المتوفى سنة ٨٠٨ هجرية) وتحليله لأسباب ضعف وانحطاط المغرب الإسلامي قدم نموذجاً جديداً للمنهج التاريخي، وذلك بعد نقده البناء لأسلوب مؤرخي التاريخ التقليدي وتأسيسه لمنهج جديد في تدوين التاريخ وتمييز الأخبار الصحيحة عن الكاذبة.

كما تحدث عن هذا الموضوع أيضاً مؤرخ آخر هو السيد جعفر مرتضى العاملی، المولود سنة ١٣٦٤ هجرية في قرية عيتا الجبل الواقعة في جبل عامل بلبنان، والمتوفى سنة ١٤٤١ هجرية، وقد أدلى بدلوه حول كيفية انتخاب الأخبار الصحيحة من بين الأخبار الموضوعة.

وموضوع هذه المقالة هو المقارنة بين معايير تمييز الأخبار الصحيحة عن الأكاذيب من منظور ابن خلدون والسيد جعفر مرتضى العاملی، وذلك باتباع المنهج التوصيفي والتحليلي.

أما ابن خلدون فقد دَوّن منهجه التاريخي في كتابه المقدمة، لكنه لم يلتزم بالمعايير التي ذكرها في ذلك الكتاب عند تدوينه للتاريخ العام للإسلام في كتاب العبر. في حين أنّ السيد جعفر مرتضى العاملی بيّن منهجه في المجلد الأول من كتاب الصحيح وبقي ملتزماً بالمعايير التي ذكرها فيه عند كتابته لباقي آثاره الأخرى. المفردات الأساسية: المنهج، الأخبار الصحيحة، الأخبار الموضوعة، ابن خلدون، السيد جعفر مرتضى العاملی.

چکیده: یکی از مشکلات علم تاریخ اختلاف روایات درباره وقایع تاریخی است. تشخیص یک خبر از میان چندین روایت، مورخان را ناگزیر می‌سازد تا با دیدی انتقادی و علمی خبر صحیح را از اکاذیب بازشناسی کنند. ابن خلدون مورخی نواندیش متوفی ٨٠٨ هجری برای بازشناسی تحلیل و علل ضعف و انحطاط مغرب اسلامی، طرحی نو پیرامون روش شناسی تاریخی در انداخت و با انتقاد سازنده از مورخان تاریخ نقلی، روش شناسی نوینی را در تاریخ نگاری و نقد اخبار صحیح از اکاذیب بنیان نهاد. مورخ دیگر سید جعفر مرتضی عاملی متولد ١٣٦٤ قمری در روستای عیتا الجبل واقع در جبل عامل لبنان متوفای ١٤٤١ ق است که درباره انتخاب اخبار صحیح از اخبار موضوع سخن گفته است. مسئله مقاله مقایسه معیارهای تشخیص اخبار صحیح از اکاذیب از دیدگاه ابن خلدون و سید جعفر مرتضی عاملی می‌باشد که با روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش شناسی تاریخی ابن خلدون در مقدمه مدون شده است ولی در تاریخ نگاری عمومی اسلام درالعبر معیارهای خود را رعایت نمی‌کند، در حالی که سید جعفر مرتضی روش شناسی خود را در جلد اول کتاب الصحيح بیان داشته است و به معیارهای خود پای بنده باقی مانده است.

کلید واژگان: روش شناسی، اخبار صحیح، اخبار موضوع، ابن خلدون، سید جعفر مرتضی عاملی



مقدمه

یکی از مسائل مهم و مورد توجه تاریخ‌نگاری تشخیص اخبار صحیح از اخبار موضوع بوده است. از صدر اسلام مسئله نقد اخبار همواره دغدغه خاطر دانشمندان اسلامی و محدثان و مورخان بوده است. امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ای درباره تحریفات و اقسام روایات سخن گفته‌اند، (خطبه ۱۸۶) سپس گروهی از دانشمندان علم رجال حدیث در مباحث جرح و تعدیل از جمله یحیی بن معین (متوفای ۲۳۳هـ) به این مهم در آثار خود توجه کردند. ابوریحان بیرونی (متوفای ۴۴۰هـ) در مقدمه تحقیق ماللهند و آثار الباقیه، ابن خلدون (متوفای ۸۰۸هـ) در مقدمه خود و محیی الدین کافجی (متوفای ۸۷۹هـ) در کتاب المختصر فی علم التاریخ، شمس الدین سخاوی متوفای (۹۰۲هـ) در الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ که مفصل‌ترین کتاب در علم تاریخ‌نگاری است به تحقیق در این باره پرداختند. بیرونی می‌گوید:

صحت و سقم روایت در صورتی که با قوانین منطقی یا فیزیکی تناقضی نداشته باشد، پیوسته به خصلت راویان آن بستگی دارد که تحت تأثیر اختلاف منافع و انواع دشمنی‌ها و بی‌مهری‌ها واقع‌اند که در میان اقوام مختلف وجود داشته است. بیرونی می‌گوید علت پردازش اخبار دروغ این است که راوی می‌خواهد به سود خود کار کند خواه این عمل به گونه‌ای باشد که به مدح خاندان یا قوم خویش بپردازد که خود عضوی از آن است و خواه به قوم مقابل حمله ورزد. در هر حال برخاسته از انگیزه‌هایی است که از آزمندی و دشمنی مذموم سرچشمه می‌گیرد و تحت تأثیر انگیزه‌های شخصی یا محبت به واسطه دینی که به ایشان دارد یا به واسطه دشمنی دروغ روایت می‌کند. گروهی به واسطه طبع پست که می‌خواهند سودی به چنگ آورند، دروغ روایت می‌کنند یا چندان بزدل است که از گفتن حقیقت بیم دارد یا اینکه طبعش دروغ‌گوست از پستی جبلی و از شرارت دروغ روایت می‌کند یا ممکن است از روی نادانی و تبعیت کورکورانه دروغ روایت کند. (بیرونی، تحقیق ماللهند مقدمه و آثار الباقیه مقدمه)

به هر حال منفعت طلبی، آزمندی، دشمنی، محبت بی‌جا، بزدلی، پستی، شرارت، اغراق‌گویی برای خوشآمد دیگران و تملق‌گویی موجب پردازش اخبار دروغین بوده است. آن‌گونه که سیف بن عمرو تمیمی روایات بسیاری را درباره جنگ‌های رده و فتوح، مانند داستان عاصم بن عمرو تمیمی و سخن گفتن گاوها به زبان عربی (تاریخ طبری، بی‌تا، جلد ۳، ص ۱۴) نقل کرده است.

یکی از مشکلات علم تاریخ اختلاف روایات درباره وقایع تاریخی است. انتخاب یک

خبر از میان چندین روایت، مورخان را ناگزیر می‌کند تا با دیدی انتقادی و علمی به پژوهش درباره این‌گونه اخبار بپردازند و خبر صحیح را از دروغ بازشناسی کنند. پژوهشگر تاریخ علاوه بر بررسی اسناد و راویان خبر، اخبار را با تمدن، احوال اجتماعی و اوضاع جغرافیایی مقایسه و امکان وقوع خبر از نظر عقلی و سازگاری آن را با زمان وقوع و طبیعت انسانی بررسی می‌کند. (ابن خلدون، مقدمه، ص ۲۸) همین مشکل روایت ثقه و غیرثقه موجب شده جایگاه و موقعیت علم تاریخ سخت سست شود تا جایی که ژان ژاک روسو با بدبینی به تاریخ گفته است:

تاریخ عبارت از آن است که از بین چندین دروغ، آن را که به حقیقت نزدیک‌تر است برگزینند.
(تاریخ در ترازو، ص ۴، ۲۷، ۲۹)

در این مقاله نظر دو مورخ که به مسئله تشخیص اخبار صحیح از غیر صحیح توجه داشتند، با روش توصیفی و تحلیلی بررسی خواهد شد. مسئله مقاله معیارهای بررسی اخبار صحیح از اکاذیب از دیدگاه عبدالرحمن بن خلدون و سید جعفر مرتضی‌عاملی است.

۱. شکل‌گیری نظریه‌های تاریخی ابن خلدون

دوران حیات ابن خلدون را بر اساس سرگذشت خودنوشت وی می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۱. دوره کودکی و تحصیل در زادگاهش (تونس) تا سال ۷۵۱ هجری
 ۲. دوره فعالیت‌های گوناگون سیاسی از قبیل طغرانیسی و حاجبی در تونس، فاس و غرناطه از سال ۷۵۱ تا ۷۷۰ هجری.
 ۳. دوره تحقیق و پژوهش و تألیف از سال ۷۷۰ تا ۷۷۶ تحقیق بین قبایل عرب و بربر در بیسکره و از ۷۷۶ تا ۷۸۰ تألیف مقدمه در قلعه دور از دسترس ابن سلامه و از ۷۸۰ تا ۷۸۴ تدریس و تألیف العبر در تونس.
 ۴. دوره اقامت در مصر از سال ۷۸۴ و پذیرفتن منصب قاضی القضاة مصر و مدرسی در الازهر و مسافرت به حجاز و شام و نگارش زندگینامه خودنوشت در سال ۸۰۸ هجری و بدورد حیات در همین سال (ابن خلدون، العبر، ج ۷، ص ۳۷۹)
- ابن خلدون در میانه حیات خود به سیاستمداری توانمند تبدیل شده و به بلوغ فکری دست یافته بود. وی برای بررسی علل انحطاط دنیای اسلام به ویژه مغرب اسلامی که وی را رنج می‌داد (ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۵ و العبر، ج ۷، ص ۳۸۴) به تحلیل و تبیین اوضاع مغرب اسلامی پرداخت. ابن خلدون برای توضیح و شناخت نهادهای ضعف و رکود به تاریخ روی آورد، (ابن خلدون، ص ۳۳) ولی با بینش ژرفی که داشت به معضلات علم تاریخ آگاه شد و به روش‌شناسی علم تاریخ، فلسفه تاریخ و عمران دست یافت. او واقعیت مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دینی مغرب اسلامی را تحلیل کرد و به اندیشه نوینی دست یافت. ابن خلدون در بحث انحطاط، عوامل زاینده را بیرون کشید و به تحلیل و علت‌یابی ضعف درونی مغرب اسلامی پرداخت و در پژوهش خود نهادهایی که زمینه ضعف را به وجود آورده بودند بررسی کرد. ابن خلدون یکی از مورخان و متفکران اصلاح‌طلب دنیای اسلام و نوخواه و متشجع بود. وی یک پا در سنت اسلامی و تقید سخت به دین داشت و از سوی دیگر سعی کرد از درون سنت اسلامی و تحلیل تاریخی و بررسی جامعه محسوس اندیشه نوینی را برای رفع مشکلات و ضعف دنیای اسلام به ویژه مغرب اسلامی به وجود آورد و منطق امور اجتماعی (عمران) را برای حل معضل دنیای اسلام بیرون کشد.

ابن خلدون برای حل ضعف و ناتوانی مغرب اسلامی در صدد تحقیق درباره قواعد علم تاریخ برآمد و سنت تاریخ‌نگاری اسلامی را دگرگون کرد. در آغاز مقدمه، تاریخ را به عنوان علم مطرح و سعی کرد از مورخان متقدم فاصله بگیرد. وی نخستین مورخ دوره اسلامی بود که انحطاط و زوال مغرب اسلامی را به خوبی دریافته بود و به

دنبال راه‌حلی بود تا بنیان نهادهای سرزمین‌های اسلامی تجدید شود. به همین منظور به تحقیق درباره قواعد علم تاریخ پرداخت و از انتقاد به بخشی از بدنه تاریخ‌نگاران ابایی نداشت. وی در این باره می‌نویسد:

تاریخ‌نگاران و مفسران روایات، وقایع و حکایات را به صرف اعتقاد به راوی خواه درست و نادرست بی‌کم‌وکاست نقل کرده و مرتکب اشتباهات و لغزش‌ها شده‌اند، چه آنان وقایع و حکایات را بر اصول آنها عرضه نکرده، آنها را با نظایر هر یک نسنجیده و به معیار حکمت و آگاهی بر طبایع نشانه‌های خلقت و مقیاس نظر و بصیرت نیازموده و به عمق آنها نرسیده‌اند. پس از حقیقت گذشته در وادی وهم و خطا گمراه شده‌اند. (ابن خلدون، مقدمه، ص ۹)

۲. آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری سنتی از دیدگاه ابن خلدون

از دیدگاه ابن خلدون تاریخ‌نگارانی که صرفاً به نقل اخبار اکتفا می‌کنند:

جز مشتی مقلد کند ذهن و کم‌خرد بیش نبوده‌اند که دقیقاً روش گروه نخستین را تقلید کرده و آن را سرمشق خویش ساخته‌اند و به کلی از تحولاتی که در روزگار پدید آمده و تغییراتی که به سبب عادات و رسوم ملت‌ها و نسل‌ها روی داده است، غفلت ورزیده‌اند. از این رو اخبار دولت‌ها و حکایات مربوط به وقایع و قرون نخستین را چنان گرد آورده‌اند که گویی صورت‌هایی مجرد از ماده و شمشیرهایی بی‌غلاف و معلوماتی است که تازه و کهنه آنها مجهول باشد. این گروه به تقلید از پیشینیانی که آنها را سرمشق خود ساخته‌اند اخبار دست‌به‌دست گشته را به عین و بی‌کم‌وکاست در خصوص حوادث تاریخ خود تکرار می‌کنند و از یادکردن مسائل مربوط به نسل‌های دوره خودشان غفلت می‌ورزند. چه تشریح و تفسیر آنها برای ایشان دشوار است و در نتیجه این‌گونه قضایا را مسکوت می‌گذارند. (ابن خلدون، ص ۵)

در اینجا ابن خلدون یکی از راه‌های شناخت اخبار سره از ناسره را شناخت مسائل مربوط به نسل‌های دوره خودشان می‌داند؛ یعنی برای شناخت تاریخ گذشتگان باید آنها را با نظایر هر یک سنجید و وضعیت جامعه محسوس را بررسی کرد.

۳. نقدهای ابن خلدون به برخی از مورخان

ابن خلدون با دقت و نکته‌سنجی بر گروهی از مورخان خرده می‌گیرد و پس از نقل دوازده نمونه داستان تاریخی مثل رابطه جعفر و عباسه خواهر هارون الرشید، هارون، فساد مأمون و ادریس بن ادریس، این‌گونه اخبار را غیر موثق می‌داند؛ اگرچه ابن خلدون نمی‌تواند دلایل موجهی را در رد برخی از این اخبار مثل داستان عباسه و جعفر برمکی بیاورد و چنین تهمتی را از منزلت و حسب عباسه به دور می‌داند.

مهم‌ترین انتقادهای ابن خلدون به مورخان

۱. برخی از مورخان تاریخ را برای خداوندان دولت می‌نویسند و مدیحه‌سرا هستند و به ثناگویی صاحبان قدرت می‌پردازند. (ابن خلدون، ص ۳۵ و ۲۷۸)
۲. قضاوت‌های آنان سطحی است و داستان‌سرایی می‌کنند.
۳. به خرافات و باطیل و افسانه می‌پردازند و به مسائل ادبی بیشتر توجه دارند.
۴. به دلیل عدم توانایی، در اندیشه تحلیل و تبیین رابطه بین حوادث نیستند. (ابن خلدون، ص ۵ و ۳۲)
۵. نسبت به مسائل اقتصادی و اجتماعی بی‌تفاوت‌اند.
۶. مقلد صرف هستند و عیناً روش پیشینیان را تقلید می‌کنند. (ابن خلدون، ص ۵)

۷. نسبت به مسائل مردم‌شناسی و نسل‌ها و نژادها غفلت می‌ورزند. (ابن خلدون، ص ۵)
۸. زودباور هستند. مورخ نباید بی‌چون و چرا اخبار را کورکورانه بپذیرد و اخبار جعلی و اکاذیب را نقل کند. (ابن خلدون، ص ۱۴)
۹. گزافه‌گویی و مبالغه در ذکر ارقام و آمار دارند. (ابن خلدون، ص ۱۰)
۱۰. مورخین به مسائل زمان خود توجه کمتری داشتند (حسن حبیبی، ص ۲۶) و از یادکردن مسائل مربوط به نسل‌های دوره خودشان غفلت می‌ورزند. (ابن خلدون، ص ۵)
- بدین سان از نگاه ابن خلدون، به سبب اشتباهات برخی از مورخان، پایگاه علمی و اجتماعی تاریخ سست شده و اکاذیب وارد گزارش‌های تاریخی گردیده و تاریخ‌نگاری به سستی گراییده است.

۴. توانایی‌های مورخ از دیدگاه ابن خلدون

از نظر ابن خلدون مورخان تنها پس از کسب توانایی‌های لازم و آگاهی از دانش‌های زیرمی‌توانند به نگارش تاریخ بپردازند:

۱. مورخ باید با همه مظاهر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آشنا باشد. (ابن خلدون، ص ۹)
۶. آگاهی کامل از چگونگی تطبیق حوادث داشته باشد (ابن خلدون، ص ۹)
۷. با واقعیت‌های اجتماعی و طبایع احوال اجتماعی آشنا باشد. (حسن حبیبی، ص ۳۵)
- در تبیین این کلام ابن خلدون باید گفت، هر پژوهشگر تاریخ برای تحلیل و تفسیر حوادث تاریخی باید آگاهی لازم از دانش جامعه‌شناسی برای شناخت ساختار جوامع و مسائل مردم‌شناسی، نهادها و طبقات اجتماعی داشته باشد. باید دانست دانش تاریخ و جامعه‌شناسی پدر و فرزندی هستند که رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمی با هم دارند. جامعه‌شناسان نیز به این نکته توجه دارند و می‌گویند: «برخی از شاخه‌های جامعه‌شناسی در ابتدا به عنوان یک نوع تاریخ اجتماعی یا به عنوان یک روش علمی در تاریخ تعریف شده‌اند» و «جامعه‌شناسی در مراحل نخستین از فلسفه تاریخ گرفته شده است». «ماکس وبر نیز جامعه‌شناسی را به عنوان یک شاخه از تاریخ مقایسه‌ای و توجیهی عنوان کرد». (گی روشه، ص ۱۰) «لازمه شناخت واقعیت‌های طبیعی این است که مراحل تاریخی و علل تاریخی رشد و عقب‌ماندگی جامعه‌ها شناخته شود». (سی رایت میلز، ص ۱۶۶) و «دانشمند علوم اجتماعی امروز بدون استفاده از تاریخ نمی‌تواند ماهیت واقعی مسائلی را که با آن روبروست تجزیه و تحلیل کند». (سی رایت میلز، ص ۱۵۹)
- بدین سان از نگاه ابن خلدون تاریخ برای حفظ جایگاه علمی خود ناگزیر است به جای توجه بیش از اندازه به حوادث سیاسی به مطالعات اجتماعی توجه کند تا علل و عوامل حوادث و نتایج آنها را بهتر بشناسد و موقعیت علمی و حضور خود را در صحنه اجتماعی حفظ کند. هر مورخی نیز باید بداند حوادث در یک محیط جغرافیایی و اجتماعی به وقوع پیوسته است و بدون شناخت این محیط، نتیجه تحقیقات تاریخی بی‌ثمر خواهد بود.

۸. از کیفیات عمومی سرزمین‌ها و نژادها و اعصار، یعنی جغرافیای طبیعی و انسانی آگاهی کامل داشته باشد. (ابن خلدون، ص ۳۲) مورخ برای فهم بهتر حوادث لازم است محیط طبیعی، اقلیم و جغرافیای انسانی و شهری محل وقوع حوادث را بشناسد.

۹. مورخ بصیر باید به قواعد سیاست و طبایع موجودات اطلاع کامل داشته باشد. (ابن خلدون، مقدمه، ص ۹ و ۲۸)

پژوهشگر تاریخ برای شناخت ساختار قدرت، حکومت و حاکمیت و انواع نظام‌های سیاسی و نهادها باید آگاهی لازم از علوم سیاسی را داشته باشد، آن‌گونه که ابن خلدون دولت را در یک جریان تاریخی مطالعه می‌کند. وی پس از تعریف و بیان مشخصات دولت، عوامل مؤثر در دستیابی به قدرت و تشکیل دولت، عوامل مؤثر در بقای دولت،

مشخصات و صفات دولت قوی و ضعیف و عوامل مؤثر در اقول دولت را برمی‌شمارد. (تقی آزاد ارمکی، ص ۳۱۳)

۱۰. قدرت تحلیل و تفسیر و تشریح حوادث را دارا باشد و توانایی فکری و اخلاقی لازم را برای کشف واقعیت تاریخی داشته باشد. (ابن خلدون، ص ۳۲)

مورخ باید مداومت و ممارست در تاریخ داشته باشد (ابن خلدون، ص ۳۷) و به تاریخ احاطه کامل داشته باشد و با تمدن اقوام گوناگون اقوام آشنا باشد؛ یعنی با مطالعه یک یا چند کتاب یا یک مقطع تاریخی نمی‌تواند به نگارش تاریخ بپردازد و لازم است تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را مطالعه و بررسی کند.

۱۱. مورخ به منابع متعدد و دانش‌های گوناگونی نیازمند است. (ابن خلدون، ص ۳۲)

۵. دانش‌های کمک‌کار در تاریخ‌نگاری

در توضیح نظر ابن خلدون درباره دانش‌های کمک‌کار در تاریخ‌نگاری باید گفت که مورخان برای گردآوری و نقد منابع، تدوین و تحلیل و تفسیر تاریخی نیازمند دانش‌هایی هستند که از آن جمله: جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، خط‌شناسی، باستان‌شناسی، علوم سیاسی، سندشناسی، روان‌شناسی اجتماعی، نسب‌شناسی و... (آینه‌وند، جلد اول، ص ۳۶۷) است.

۶. شرایط یک مورخ از دیدگاه ابن خلدون

۱. مورخ باید از گرایش و طرفداری و تمایل از عقیده و مذهبی خاص بپرهیزد و در قضاوت خود پیش‌داوری نکند. (ابن خلدون، ص ۳۵)

در توضیح این فقره از کلام ابن خلدون می‌توان گفت مصحح مورخ باید تلاش کند تا از تعصب و پیروی از احساسات قومی و مذهبی که مانع از کشف حقیقت و صفت امانتداری است، به دور باشد. اگرچه بی‌طرفی کامل امکان‌پذیر نیست و حتی پولی بیوس متوفای ۱۲۵ ق.م که بر بی‌طرفی ابرام داشت، هنگام نگارش تاریخ جنگ‌های روم و کارتاژ به جانبداری از رومی‌ها پرداخت. (زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، ص ۸۳) نمی‌توان وفاداری ابن خلدون نسبت به روش نقد خود را کامل دانست، بلکه درباره تشیع این بی‌طرفی را که خود بر آن اصرار دارد از دست می‌دهد و به صورت مورخی متعصب و قشری درمی‌آید. (ابن خلدون، ص ۱۹۷) یا در جایی دیگر که درباره امام حسین (علیه السلام) قضاوت و یزید را تبرئه می‌کند. (ابن خلدون، ص ۲۱۲)

۲. «اگر روح آدمی در پذیرفتن خبر بر حالت اعتدال باشد، از لحاظ درستی و نادرستی و دقت نظر حق آن را ادا می‌کند تا صدق آن از کذب آشکار شود»؛ (همان، ص ۳۵) یعنی مورخ باید روحیه اعتدال و میانه‌روی داشته باشد و از سلامت روحی و جسمی برخوردار باشد. اگر مورخ در شرایط روحی مناسبی نباشد، در گزارش و تحلیل تحت تأثیر شرایط درونی خود قرار می‌گیرد.

۳. «در موارد لازم به تعدیل راویان توسل جوید». (ابن خلدون، ص ۳۵ و ۳۷) جرح و تعدیل از قواعد علم رجال است که برخی از دانشمندان این علم و مورخان اسلامی بر آن تأکید دارند و به معنای نقد اسناد روایات است. جرح به معنای مخدوش کردن عدالت راوی و تعدیل اثبات عادل بودن راوی است.

۴. در اخبار شرعی راه علم به صحت آنها، اعتماد به راویان در عدالت و ضبط است (ابن خلدون، ص ۳۸؛ سخاوی، جلد ۲، ص ۳۰۷) و منظور از عدالت راستگویی و امانتداری و معنای ضبط احتراز از روایت تزهات است. (سبکی، جلد ۱، ص ۶۲۰)

۵. اگر مورخ شیفته دنیا و زخارف آن و جاه و جلال و توانگری باشد، به مدیحه‌سرایی و ثناخوانی و نیزنگ و جعل

اخبار کشیده می‌شود. (ابن خلدون، ص ۳۵) بدین سان اگر مورخ عاری از پیروی از هوا شد، به مدح و ثنای کسانی که دوست می‌دارد نمی‌پردازد تا درباره دیگران کوتاهی کند.

۶. مورخ باید قدرت کشف دروغ از راست را داشته باشد (ابن خلدون، ص ۳۵) و بتواند اخبار را تنقیح کند.

۷. «وی را حسن نظر و پافشاری و تثبیت خاصی باشد». (در صحت سند و چگونگی روایت) (ابن خلدون، ص ۳۷)

۷. نقد خبر از دیدگاه ابن خلدون

ابن خلدون ضمن تمجید از خود به نکاتی چند اشاره می‌کند:

۱. آیا یک خبر فی نفسه امکان وقوع دارد؟

۲. آیا خبر با طبیعت انسانی سازگار است؟

۳. آیا خبر با زمان و مکان وقوع سازگار است؟

۴. آیا خبر با قوانین اجتماع بشری یا عمران سازگاری دارد؟

از همین رواج نظر ابن خلدون جامعه‌شناسی برای تبیین تاریخ ضروری است و معیارهای محکمی را برای وارسی و تصحیح اخبار و آگاهی از سرشت واقعیت‌های اجتماعی که تاروپود تاریخ را تشکیل می‌دهند به دست می‌دهد. به قول ناصف نصار «دانش تاریخ تنها یک دانش وابسته به انسان تاریخی نیست، بلکه یک دانش حیات انسان به عنوان موجود اجتماعی است و این امر قلمرو استدلال و هماهنگی را بیش از اندازه گسترش می‌دهد». (ناصر، ص ۱۱۱)

۸. راه‌های شناسایی اخبار صحیح از اکاذیب و افسانه‌ها

ابن خلدون راه‌های زیر را برای شناخت اخبار درست از افسانه‌ها پیشنهاد می‌کند:

۱. مطابقت اخبار با واقع از راه سنجش اخبار و تعمق در امکان وقوع اخبار (ابن خلدون، ص ۳۷)

۲. اخبار را با تمدن و عمران و شرایط اجتماعی مقایسه کردن (ابن خلدون، ص ۴ و ۳)

۳. اخبار را بر قوانین صحیح عرضه کردن تا به بهترین وجه شناخته شوند. (ابن خلدون، ص ۱۳) در این فقره ابن خلدون تطبیق اخبار را با حقایق عینی خارج در قالب قوانین جهت ممیزی و واقعیت‌یابی آن ضروری می‌داند.

۴. امکان وقوع خبر از نظر عقلی و عرفی وجود داشته باشد.

۵. آیا با زمان و مکان وقوع سازگار است؛ یعنی زمان و مکان وقوع حادثه گنجایش چنین اتفاقی را دارد؟

۶. به کارگیری روش برهان و استدلالی در نقل اخبار (ابن خلدون، ص ۹)

۷. عدم اعتماد کامل به راویان و ناقلان خبر (ابن خلدون، ص ۹)

۸. آیا خبر با طبیعت انسانی و دیگر موجودات عالم سازگار است؟

۹. مطابقت اخبار با یکدیگر و سنجش آنها با هم از لحاظ توافق یا تضاد (ابن خلدون، ص ۹)

۱۰. تحلیل اخبار و شناخت علل و عوامل شکل‌گیری دولت‌ها و تمدن‌ها، معیار درستی برای شناسایی اخبار خواهد بود. (ابن خلدون، ص ۴)

به جز راه‌های پیشنهادی ابن خلدون، برای تکمیل این مبحث می‌توان به راه‌های زیر نیز اشاره کرد:

الف) بررسی اسناد خبر؛ زیرا همه راویان دارای ملکه عدالت و توثیق نیستند. در این صورت مورخان ناگزیر هستند اسناد روایات را بررسی کنند تا اخبار موثق را شناسایی کنند. متن خبر نیز باید متوازن و برروال طبیعی باشد.

ب) استفاده از سکه‌ها، نامه‌ها و اسناد، کتیبه‌ها و آثار باستانی برای تأیید اخبار؛ زیرا این‌گونه بازمانده‌ها خود تاریخ و سند گویایی برای وقایع تاریخی هستند.

ج) بررسی اخبار از نظر تواتر یا واحد بودن. خبری را متواتر گویند که مفید یقین بودن باشد؛ خواه یک نفر راوی داشته باشد، خواه ده نفر. خبری را واحد گویند که کمتر از سه راوی داشته باشد و اگر بیش از سه راوی داشته باشد مستفیض گویند. (محمد بن ابراهیم ایجی، بخش دوم، ص ۳۳)

د) بررسی دقیق اخبار نادر و عجیب و اخباری که با اندیشه تحقق پذیر نیستند یا به عالم غیب و ماوراء الطبیعه مربوط هستند. منابع این‌گونه روایات باید موثق و اطمینان بخش باشند؛ مثلاً اخبار مربوط به معجزات پیامبران و امداد غیبی برای آنان از منبعی همچون قرآن پذیرفتنی است.

ه) مطابقت اخبار دینی با قرآن؛ زیرا اگر خبری با موثق‌ترین منبع معارف دینی یعنی کلام وحی مغایرت داشته باشد، نمی‌توان آن را پذیرفت از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

آنچه را موافق با کتاب خداست بپذیرید و آنچه را مخالف با آن است رد کنید. (کلینی رازی، جلد اول، ص ۲۰۰)

جان کلام ابن خلدون درباره تاریخ چنین است: «دانش تاریخ در ظاهر اخباری بیش نیست درباره روزگاریها و دولت‌های پیشین» و سرگذشت قرون نخستین... و اما در باطن، اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها و جستجوی دقیق برای یافتن علل آنهاست و علمی است درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها. (ابن خلدون، ص ۴) «اگر مورخ تنها به نقل کردن اخبار اعتماد کند، بی‌آنکه به قضاوت اصول و عادات و رسوم و قواعد سیاست‌ها و طبیعت تمدن و کسوفیات اجتماعات بشری پردازد و حوادث نهان را با وقایع پیدا و اکنون را با رفته بسنجد، چه بسا که از لغزیدن در پرتگاه خطا و انحراف از شاهراه راستی در امان نباشد». (ابن خلدون، ص ۹)

۹. بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله سید جعفر مرتضی‌عاملی

دوران زندگی سید جعفر مرتضی‌عاملی به ۴ دوره تقسیم می‌شود: ۱. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود لبنان ۲. تحصیلات در نجف اشرف ۳. دوره ۲۵ ساله تحصیلات و تدریس و پژوهش و تألیف در قم ۴. فعالیت‌های اجتماعی و تألیف در لبنان.

عاملی متولد ۱۳۶۴ قمری در روستای عینا الجبل واقع در جبل عامل و متوفای ۱۴۴۱ق در لبنان است. وی از سادات علوی نسب و منسوب به زید بن علی حسین (علیه السلام) است. (سایت ویکی نور) این مورخ بلندآوازه بیشتر آثار علمی خود را در کانون تشیع قم آفریده است. کتاب الصحیح از همان آغاز با روش شناسی تاریخی استاد مرتضی ادامه یافت و نویسنده کتاب الصحیح تا کنون به دیدگاه‌های خود وفادار مانده است. استاد جعفر مرتضی اثر خود را از نیاز بشر به تاریخ آغاز می‌کند و می‌نویسد:

زمان گذشته تمام محصولات و تلاش مستمر خویش را به کام زمان حال می‌ریزد تا نیرو، حرکت و ابزار تکاملش را در مسیری ثابت و مطمئن به سوی اهداف بلند خویش به کار بندد و تاریخ با دقت در زندگی امت گذشته مسئولیت بیان اوضاع و احوال و ریشه‌های فکری و اقتصادی و روابط اجتماعی و سیاسی را دارد.

وی تاریخ اسلام را در میان تمامی امت‌ها بی‌نظیر و به‌طور مطلق بی‌نیازترین تاریخ‌ها دانسته است. وی اشاره دارد تاریخ مدون اسلام با همه تلخی‌ها و ناگواری‌هایی که دارد، غنی‌ترین تاریخ امت‌هاست و با دقت و گستردگی از سایر تاریخ‌ها متمایز می‌شود. او با واقع‌نگری همراه با وسواس، نگرانی خود را از تحریفاتی که در تاریخ اسلام صورت گرفته است اعلام می‌کند تا جایی که برخلاف دیدگاه قبلی خود می‌نویسد:

ما امتی هستیم بدون تاریخ؛ زیرا تدوین تاریخ اسلام از نظرات سیاسی و تصمیمات مذهبی مختلف هوی و هوس‌های مذهبی و خشنودی و حاکمیت سلاطین خالی نیست و همین موجب تحریف در تاریخ اسلام شده و با دروغ‌ها و باطل‌ها آمیخته گردیده و در نتیجه پرحجم شده است.

به همین سبب وظیفه خود می‌داند که همت اصلی خویش را برای جداسازی اخبار ناسالم از سالم و ناصحیح از صحیح که در حقیقت همان اوهام و خیالاتی است که قصه پردازان و سخن‌سرایان و مغرضین و هواپرستان از خود ساخته‌اند مصروف دارد. سید جعفر مرتضی به خطری که از سوی تحریف‌گران جاعل و حيله‌گر در به انحراف کشاندن فرهنگ اسلامی وجود دارد اشاره می‌کند و می‌گوید که تحریف‌گران برای حفظ این اباطیل و خرافات و عدم پالایش فرهنگ اسلامی معیارهایی را برای شناخت صحیح از ناصحیح وضع کرده‌اند که مخدوش و غیرقابل اطمینان است. جعفر مرتضی اجازه نقل حدیث از سوی علمای بنی اسرائیل را زمینه ورود اسرائیلیات به فرهنگ اسلامی می‌داند و مشکل اساسی در نگارش تاریخ اسلام را شناخت جاعلان منحرفی می‌داند که با انگیزه‌های ناصواب دروغ‌های خرافی را وارد تاریخ اسلام کردند. این جاعلان منحرف توسط غاصبین مقام و خلافت اسلامی اجیر و تقویت می‌شدند تا رنگ دلخواه آنان را به دین و حوادث تاریخی بزنند. به هر حال استاد مرتضی مورخی دقیق و نقادی هوشمند است که کار تحریف‌زدایی و افشای چهره‌های مزور در تاریخ اسلام را وجهه همت خود قرار داده است. مرتضی عاملی پس از بیان ۵۱ مورد انحراف و شاخص‌های تثبیت و تحکیم باطل، اصول بیست و پنج‌گانه قواعد و اصول و معیارها و چارچوب‌های بحث نقد علمی اخبار را با نگاه دینی، کلامی، حدیثی، تاریخی و فقهی با عنوان ابزارها و وسایل بیان داشته است. (الصحیح، مجلد اول، ص ۲۲۲) اگرچه بهتر بود برای قواعد انسانی این عنوان مادی را به کار نمی‌بردند، ولی درباره ملاک‌های شناخت روایات صحیح از ناصحیح اصول دوازده‌گانه‌ای را در کتاب الصحیح (جلد اول، ص ۲۲۶) و در مصاحبه‌های فصلنامه آینه پژوهش، سال اول، شماره ۵ و کیهان اندیشه، شماره ۳، سال ۱۳۶۴ و کیهان فرهنگی، شماره ۱۱، بهمن ماه ۱۳۶۷ بیان داشته است که عبارتند از:

۱. جعفر مرتضی در نقد خبرنگاه دینی دارد و می‌گوید: موافقت روایات با قرآن شرط لازم است؛ زیرا مضمون هر خبری که با قرآن هماهنگ نباشد، قطعاً نمی‌تواند درست باشد؛ مثلاً استاد از جمله تأکید دارد بر اینکه چون قرآن معصومین را مصون از خطا می‌داند، اگر خبری متضمن نسبت خطا به ایشان باشد رد می‌کنیم.
۲. اگر خبری مخالف عقل و حکمت مسلم باشد، دلیل ضعف آن به حساب می‌آید و هنگام ارائه برهان از ادعاهای خود نیز از طریق استدلال خارج نمی‌شویم و راه دیگری نمی‌پوییم.
۳. در بررسی متن حدیث وجود تناقض با امور ثابت و مسلم از عوامل رد خبر است (مسائلی همچون عدم مخالفت با محسوسات، امور بدیهی و اصول علمی ثابت).
۴. عقاید کلامی مسلم مثل وجود خداوند سبحان و صفات جلال و جمال الهی، عقیده به عصمت انبیاء و اوصیای الهی نقش اساسی در شناخت صحیح از ناصحیح دارد؛ زیرا نمی‌توانیم جز معارض با این باورها را بپذیریم.
۵. عدم وجود تناقض در اخبار با مسائل جغرافیایی ثابت شده
۶. موافقت نصوص تاریخی با شخصیت فکری و روانی افراد
۷. توجه به فصاحت و بلاغت کامل در احادیث منسوب به رسول الله (ص)
۸. امکان تاریخی برای وقایع و حوادث تاریخی در ظرف زمان و مکان باشد.
۹. مرتضی عاملی در بررسی سلسله سند روایت به بررسی رجالی روایات دست می‌زند و اگر کسی از راویان روایت مشهور به دروغ‌گویی و عارضه نسیان است، او را قابل اطمینان نمی‌داند. وی به شخصیت راویان علمی و اجتماعی راویان توجه دارد. وی اشاره دارد: البته ضعف سند حدیث به معنای دروغ یا جعلی بودن روایت

نیست، بلکه مقصود این است که اشکال در سند به میزان وثوق و اعتماد به خبر آسیب می‌رساند.

۱۰. استاد جعفر مرتضی به روایات و نصوص منقول از شیعه، چون در طول تاریخ از دستگاه‌های ظلم و جور دور بوده‌اند اهمیت بیشتری می‌دهد و معتقد است بهتر می‌توان به روایان شیعه اعتماد کرد، اما تأکید زیاد وی بر این مطلب را می‌توان مورد مناقشه قرار داد. آیا می‌توان به تمامی روایات جابر بن یزید جعفی، ابان بن عثمان احمر بجلی، سلیم بن قیس هلالی، عمرو بن شمر جعفی کوفی، ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی، محمد بن ابی زینب مشهور به ابوخطاب و عبدالله بن میمون قداح اعتماد کرد. آیا در برخی روایات آنان غلو و تحریف وجود ندارد؟

۱۱. اخبار باید با واقع سنجیده شود.

۱۲. مورخ باید از سلامت نص حدیث از جهت رعایت اصول زبان و صدور به سبک عربی صحیح مطمئن باشد.

شرایط مورخ

استاد مرتضی برای مورخ شرایطی قائل است که عبارتند از: ۱. عدالت و راستگویی ۲. ثقه بودن راوی ۳. دوری از دنیا و زخارف آن و دوری از قدرت‌ها ۴. هر مورخ باید آگاهی لازم از علوم اسلامی و تمام معارف آن داشته باشد. دانش‌هایی همچون فقه، تفسیر و شأن نزول آیات، کلام، حدیث، ادبیات، صرف و نحو، شعر، فرق و مذاهب از جمله علوم کمکی و مورد نیاز هر مورخی است.

استاد جعفر مرتضی به نقش عقل در بررسی روایات تاریخی اهمیت زیادی می‌دهد. وی در این باره می‌نویسد:

اهل بینش از مسلمانان به همان معیارها و ضوابطی استناد می‌کنند که سایر عقلا و حکما به آنها اعتماد می‌کنند. (جعفر مرتضی، الصحیح، جلد اول، ص ۲۲۶)

بدین سان آیت‌الله سید جعفر مرتضی بر اساس منظومه فکری خود و با نگاه دینی به نقد و بررسی روایات می‌پردازد و روش‌شناسی تاریخی نقادانه خاصی را به دست می‌دهد. وی از یک روش واحد در نقد و بررسی روایات پیروی نمی‌کند و معیارها و ملاک‌های معرفی شده از سوی وی از یک طرح جامع، کامل و سیستمی برخوردار نیست؛ آن‌گونه که از فصل قواعد صحیح برای بحث علمی برمی‌آید. همین امر سبب بروز تناقض‌هایی از وی شده است؛ برای مثال یک جا سخن از زید بن ثابت مبنی بر فراگیری تورات را چون از قول خود اوست رد می‌کند، ولی در جای دیگر سخن خالد بن سعید بن عاص را که می‌گوید پیش از ابوبکر اسلام آورده است تأیید می‌کند و می‌نویسد: او از هر کس دیگری خوشتر داننا تراست. (الصحیح، جلد اول، ص ۳۱۷) عاملی اصالت سند را با ذکر صحیح یا ثقه یا حسن یا ضعیف یادآوری می‌کند، ولی علت و دلیل خود را ارائه نمی‌کند. وی سیره رسول خدا (ص) را با اتکا بر منابع گوناگون شیعه و سنی و اطلاعات تاریخی، روایی و کلامی معتبر و مستند و با تجزیه و تحلیل‌های عقلانی و مستدل نگاشته است.

استاد جعفر مرتضی به مسائل وحدت اسلامی توجه دارد، ولی بیان مسائل مورد اختلاف را به منظور تبیین حقایق و روشن کردن آن در جو سالم و بدون هیاهو را زمینه وحدت اسلامی می‌داند.

نتیجه

مقایسه دیدگاه این دو مورخ، فقیه و دانشمند سنی و شیعه درباره اخبار صحیح از اکاذیب نشان می‌دهد که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در دیدگاه آن دو وجود دارد.

۱. ابن خلدون در نقد اخبار به علوم محسوس توجه بیشتری دارد، ولی سید جعفر مرتضی در نقد خبرنگاه دینی دارد؛ برای مثال هر خبری را که مخالف عصمت رسول‌الله (ص) یا ائمه (ع) باشد نمی‌پذیرد.

۲. ابن خلدون یکی از راه‌های شناخت اخبار صحیح را علم عمران معرفی و رابطه جامعه‌شناسی و تاریخ را تبیین کرده و دو علم در قالب یک علم را با عنوان عمران برای تحلیل علّی حوادث تاریخی طرح کرده است.
۳. اگرچه حجم آثار تألیفی سید جعفر مرتضی بیش از ابن خلدون است، روش‌شناسی تاریخی ابن خلدون در مقدمه مدون شده است، ولی در تاریخ‌نگاری عمومی اسلام در العبر معیارهای خود را رعایت نمی‌کند، در حالی که سید جعفر مرتضی روش‌شناسی خود را در جلد اول کتاب الصحیح بیان داشته و تا پایان جلد ۳۵ به معیارهای خود پایبند باقی مانده است.
۴. تبیین روش‌شناسی تاریخی ابن خلدون به جز در مقدمه که در نوع خود بی‌نظیر است، در تاریخ‌نگاری متوجه دولت‌ها و صاحبان قدرت و سیاست است، ولی سید مرتضی عاملی متوجه تاریخ رسول‌الله (ص)، اهل بیت و تاریخ فرهنگی شیعه است.
۵. عاملی اگرچه به روایات شیعه اهمیت خاصی می‌دهد، رعایت انصاف را در نقد روایات می‌کند و به توهین و تکفیر دیگران نمی‌پردازد و از منابع گسترده اهل سنت استفاده می‌کند، ولی ابن خلدون به مورخان پیش از خود حملات سختی کرده و تاب تحمل مذهبی خود را درباره روایات شیعه در مقدمه از دست داده و اکثر روایات شیعه را موضوع دانسته است. به همین دلیل برخی از مسائل مسلم تاریخی را به دلیل طرفداری از صاحبان قدرت و تعصب زیر پا می‌گذارد.
۶. سید جعفر مرتضی نقش اهل کتاب مسلمان شده را در تحریف روایات به تحریک غاصبین خلافت اسلامی با اشتیاق تمام بررسی کرده، ولی ابن خلدون به این مهم توجه نداشته است.
۷. سید جعفر مرتضی علوم لازم برای مورخان را علوم اسلامی معرفی می‌کند، ولی ابن خلدون به عمران، تمدن، علوم اجتماعی، جغرافیا، مباحث سیاست و اقتصاد اهمیت بیشتری می‌دهد. جعفر مرتضی به شناخت اسناد روایات توجه خاصی دارد و به رجال حدیث اهمیت می‌دهد، ولی ابن خلدون به اسناد توجه کمتری داشته و گاهی نیز به خطا رفته است؛ برای مثال سیف بن عمر را که راوی ای دروغ‌گوست، راست‌گو معرفی می‌کند.

کتابنامه

- آیین‌وند، صادق؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۷ش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ تاریخ (العبر)؛ بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- _____؛ مقدمه؛ بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- ارمکی، تقی آزاد؛ اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون؛ تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴ش.
- ایچی، محمد بن ابراهیم؛ تحفة الفقیر الی صاحب السریر؛ چاپ شده در تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، مشهد؛ انتشارات آستان قدس رضوی، بخش دوم، ۱۳۶۸.
- بیرونی، ابوریحان؛ آثار الباقیه؛ ترجمه اکبر داناسرشت؛ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- _____؛ تحقیق ما للهند من مقولة مقبولة فی العقل أو مردولة؛ منوچهر صدوقی سها؛ تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲ شمسی.
- زیرین‌کوب، عبدالحسین؛ تاریخ در ترازو؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
- سقاوی، شمس‌الدین محمد؛ الاعلان بالتویخ لم ذم اهل التاریخ؛ چاپ شده در علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی؛ جلد دوم تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۷ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ تاریخ؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.
- علی (علیه‌السلام)؛ نهج‌البلاغه؛ تحقیق و تدوین محمد دشتی؛ تهران، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ش.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی؛ سیره صحیح پیامبر اعظم (ص)؛ مترجم حسین تاج‌آبادی؛ تهران، انتشارات سفیراردهال، ۱۳۹۵ شمسی.
- کلینی رازی؛ اصول کافی؛ ترجمه و شرح محمدباقر کمره‌ای؛ تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
- گی‌روشه؛ تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی؛ تهران، نشر نی، ۱۳۷۰ش.
- میلز سی‌رایت؛ بینش جامعه‌شناختی؛ ترجمه عبدالمعبود انصاری؛ تهران، شرکت انتشار، ۱۳۶۰ش.
- ناصر؛ اندیشه واقع‌گرای ابن خلدون؛ ترجمه یوسف رحیم‌لو؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش.
- ویکی نور دانشنامه تخصصی کتاب‌شناسی و زندگی‌نامه.

مصاحبه‌ها

- آینه پژوهش، سال اول، اسفندماه ۱۳۶۹ شمسی، شماره ۵.
- کیهان اندیشه، سال ۱۳۶۴ شمسی، شماره ۳.
- کیهان فرهنگی، بهمن‌ماه ۱۳۶۷ شمسی، شماره ۱۱.